

به نام خدا

برادران خونی

آرزو محمودیان

سرشناسه : محمودیان، آرزو، ۱۳۷۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: برادران خونی / آرزو محمودیان.
 مشخصات نشر: تفرش : کلمه طیبه ، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهر: ۷۶ ص:؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۹۵-۶-۶
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع : نشر سپید -- قرن ۱۴
 مؤنوع : Blank verse. -- ۲۰th century
 رده بندی دهگانه : ۵ : PIR۸۳۶۱ ۱۳۹۷ ب۴ ۸۸۱۵ ح/
 رده بندی دهگانه : ۸۱۴ /
 شماره کتابشناسی: ۵۱۰



برادران خونی
 نویسنده : آرزو محمودیان
 ناشر : انتشارات کلمه طیبه تفرش
 صفحه آرای و طراحی جلد : آ.ن- سعیده تلخای
 ویراستار : آرزو محمودیان
 تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ : تابستان ۹۷
 آدرس : تفرش - بلوار انقلاب ، کوچه الیاس نبی ، پلاک ۱
 تلفن : ۰۸۶۳۶۲۲۸۱۱۵ - ۰۹۳۵۹۸۸۸۶۰۶
 حق چاپ برای انتشارات کلمه طیبه تفرش محفوظ است

۱	به جای مقدمه
۲	پناه بگیر
۳	بوسه های اشتباهی
۴	عشق عجیب
۵	یادداشت
۶	شایعه
۷	اندوه براری
۸	خدا حافظ
۹	فردای روزی که رفت
۱۰	بدون تو
۱۱	آتش در بهشت ساخته شد
۱۲	کما
۱۳	بیهودگی
۱۴	تظاهر
۱۵	دختران کوچک
۱۶	پیر
۱۷	دختر غمگین
۱۸	مفتون
۱۹	کسی را باید فهمیدن
۲۰	گریه تابیهشت
۲۱	تعلق
۲۲	بیماری سخت
۲۴	پشت درهای بسته
۲۶	در خورشید
۲۷	دستانم را بگیر
۲۸	سکه قدیمی
۲۹	بلندم کن
۳۰	یک نگاه برای تو

۳۲	دورازشانس
۳۳	برای دیگری
۳۴	هنر تقلید
۳۶	قدم بگذار در قیامت لطیف من
۳۸	برادران خونی
۳۹	میل سرکش
۴۰	تولد
۴۱	بخا
۴۲	رکب
۴۴	روزی خواه شدن
۴۶	رویای دیشب
۴۷	اندوه تابستانی
۴۸	سرگردان
۴۹	هجوم ترس
۵۱	روز هفت هزار و سیصدم
۵۲	باد
۵۴	روح مذهبی
۵۵	الف میم
۵۶	پاییزی خداگونه
۵۷	یلدا
۵۹	خواب سپید
۶۰	دنیای ظالم
۶۱	شعر خوشبختی
۶۲	هم اکنون و برای همیشه
۶۳	مانی
۶۴	تردید
۶۵	بهشت تیره
۶۶	آبرنگ

۶۷.....	زیبایی تاریکی
۶۸.....	تاریکی بی پایان
۶۹.....	ذهن کبود
۷۰.....	برگردیم به ابتدا
۷۱.....	یلدا
۷۲.....	زمستان
۷۳.....	جراغ های خیالی
۷۴.....	بهار
۷۵.....	زندگی در قلاب تلویزیون سیاه و سفید
۷۶.....	تنهای ذهن

■ به جای مقدمه

درست همان دلمی دانم ، درست زندگی را نمی فهمم و وقتی
قلم بدست می گیرم درست نمی نویسم ،
به درستی ها می اندیشم نفس می کشم و دنیا برای لحظه ای انگار
درست است ،
و من فکر می کنم با اندیشیدن به درستی ها درست نمی شود
و من فکر میکنم فکر کردن چه بیهوده است .
ساعتم فریاد می زند چیزی برای یافتن نیست
فقط صدایی می آید نه برای شنیدن و نه برای فهمیدن
و من فکر میکنم کار از همه حرف ها گذشته
و هم چنان می اندیشم چه بیهوده
و درست در لحظه ای که باید یا نباید دیگر درست نمی شود
و بزرگترین بدبختی ها امیدواریست.